

از آغاز قرن بیستم، فاصله میان کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته هر روز بیش تر شده است. آن چه در نسخه های پیچیده صاحب نظران توسعه مورد تأکید است، نقش انسان ها به عنوان مهمترین منابع توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. سال هاست که کشورهای توسعه یافته به این رمز حیاتی پی برده اند که مهم ترین شیوه ای که می تواند فرایند ترقی را در آینده تضمین کند، آموزش و پرورش است که اندیشه ها را غنی سازد، ظرفیت های ذهنی و افق های دید را گسترش دهد و توان ابداع و خلق را بیش از پیش افزایش دهد. چنین آموزش و پرورش کلید درهای ناگشوده بازسازی، نوسازی، توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است. ناگفته پیداست که در این میان آموزش و پرورش سال های نخست کودکی از چه جایگاه ممتاز و ویژه ای برخوردار است. چرا که اگر مراکز پیش دبستانی رسالت و نقش تربیتی و فرهنگی خود را در کنار تربیت خانوادگی و اجتماعی به درستی ایفا کنند، انسان هایی با اراده، متکی به خود، شجاع و کاردان و تندرست بار خواهند آورد که انسانیت، صلح و عدالت را معنا می بخشند و حال و آینده ملت را تضمین می کنند. از همین رو است که همه ملت ها با هر نظام سیاسی و اجتماعی پیشرفته و یا در حال پیشرفت به مسأله اصلاحات آموزشی و برنامه ریزی با توجه به آخرین روش های فنی و پیشرفت های علمی جهان توجهی خاص دارند.

حال به راستی این سؤال ها مطرح می شوند:

- آموزش و پرورش پیش از دبستان در کشور ما، تا چه میزان به مسأله اصلاحات آموزشی و برنامه ریزی با نگاه به الگوهای موجود دنیا توجه دارد؟
- آیا روش های جاری در کشور که بیش تر بر پایه سلیقه است تا بهره گیری از یک الگو یا برنامه خاص مبتنی بر فلسفه و اهداف ویژه، می تواند نیروهایی را تربیت کند که در درک دنیای پیچیده موجود توانمند و در مدیریت و رهبری آن خلاق و مبتکر باشند و منطقی رفتار کنند؟
- مربیان و مدیران مراکز پیش دبستانی ما، تا چه میزان از این رویکردها و مدل های آموزشی نوین اطلاع دارند.

- نگرش مربیان به دانش نو، چگونه است و در صورت بهره گیری از این الگوها، چه عملکردی دارند؟

مدیران و چالش های تربیتی

دکتر مریم باریک بین

**همه ملت‌ها با هر
نظام سیاسی و اجتماعی
پیشرفته و یا در حال پیشرفت
به مسأله اصلاحات آموزشی و
برنامه‌ریزی با توجه به آخرین
روش‌های فنی و پیشرفت‌های
علمی جهان توجهی خاص
دارند**

معرفی و شناساندن الگوهای مطرح و برتر می‌تواند اذهان را از توقف و باقی ماندن در به‌کارگیری روش‌های سنتی به سمت رویکردهای متنوع و متفاوت موجود در دنیا هدایت کند و برنامه‌ریزان آموزشی را در حل دشواری‌های آموزشی یاری دهد و نیز زمینه‌های لازم را برای تفاهم و ارتباط میان فرهنگ‌ها و ملت‌ها فراهم سازد.

با شناخت فعالیت‌های انجام گرفته در مناطق دیگر دنیا، می‌توان آموخته‌ها را با صرف سرمایه‌گزار دوباره نیازموند و زمینه را برای بالا بردن کیفیت و کارایی برنامه‌های درسی در دوره پیش از دبستان هموار کرد و از این طریق، گامی مهم و اساسی در جهت توسعه پایدار در کشور برداشت.

به نظر می‌رسد برای آن که بتوان یک الگو یا برنامه آموزشی را به درستی اجرا کرد باید ابتدا از میزان شناخت و دانش افراد و عوامل اجرا و همچنین از نوع نگرش مربیان آگاه شد و عملکرد آن‌ها را سنجید تا بتوان به هموار کردن زمینه‌ها و رفع نگرانی‌ها و نگرش‌های منفی پرداخت و بستر مناسبی برای شکل‌گیری روش‌های نو در اجرا فراهم کرد.

پس لازم است مربیان، مدیران و کارشناسان آموزشی و دانشجویان به این مهم توجه کنند و به منظور توجه به شیوه‌های نو اقدامات علمی، پژوهشی و اجرایی داشته باشند.

نقش متولیان و دست‌اندرکاران تأمین بودجه برای پیشبرد اهداف همه‌جانبه در سطح پیش از دبستان بیش از هر چیز در این اقدام بارز است، زیرا برای بهسازی آموزشی و سلامت پرورش انسان از سال‌های پایه به تأمین سرانه مناسب و سرمایه‌گذاری فزاینده نیاز است. سهم آموزش و پرورش و سرانه آموزشی در این سطح در مقایسه با سطوح بالاتر آموزشی، در ترازوی عدالت پرورشی، سهم ارزنده‌ای است که باید تفکر عمیق‌تری در خصوص آن صورت گیرد.

نقش انسان به عنوان مهمترین منبع توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه

